

## تبعیض قومی در کردستان ایران (بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷)

مصلح کهنه پوشی

کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

نوشته حاضر خلاصه‌ی پایان‌نامه‌ی دانشجویی آقای مصلح کهنه پوشی است که جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی پژوهش علوم اجتماعی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر حمید رضا جلایی پور و مشاورت دکتر غلامعباس توسلی در شهریور ماه سال ۱۳۸۳ به نگارش درآمده است.

### چکیده

این تحقیق، تبعیض قومی را که پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در مناطق کردنشین اعمال شده است؛ مورد بررسی قرار می‌دهد. برای تحلیل این مسأله بر رویکرد دولت-محور تأکید شده است. به عبارت دیگر در این پژوهش مهم‌ترین عامل محرومیت و عقب‌ماندگی کردها، تبعیض قومی معرفی شده است که از سوی دولت مرکزی اعمال می‌گردد. در این راستا تمایزات و تفاوت‌های قومی در میزان تبعیض قومی مؤثر می‌باشد، یعنی هرچه گروه‌های قومی از نظر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی اعم از زبان، مذهب و... با دولت مرکزی تفاوت بیشتری داشته باشند سیاست‌های تبعیض آمیز افزایش می‌یابد. به طور کلی تبعیض قومی از دو بُعد بررسی شده است: الف) بُعد عینی تبعیض که از طریق آمار و ارقام موجود به ماهیت برنامه و سیاست‌های آگاهانه‌ی دولت مرکزی در این زمینه پی می‌بریم؛ ب) بُعد ذهنی تبعیض که برای سنجش آن از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این بررسی، تبعیض قومی را نسبت به کردها در سطح شدیدی نشان می‌دهد.

کلمات کلیدی: قومیت، تبعیض قومی، قوم کرد، دولت مرکزی، نابرابری، تفاوت‌های قومی و...

### مقدمه

ایران کشوری است متشکل از اقوام مختلف که در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. در طول تاریخ، آنها در برهه‌ای از تاریخ در کنار هم و دربرهه‌ی دیگر درستیز بوده‌اند. گویا درسراسر تاریخ در این سرزمین، ستیز و

سازش ویژگی تعاملات اقوام ایرانی بوده است.

زمانی که گروهی قدرت را در دست می‌گرفت، نخبگان و سران اقوام به طور نسبی در بدنه‌ی نظام سیاسی مشارکت داشته‌اند و حذف آنها در نظام سیاسی مطرح نبوده است. مثلاً: اگر شاه تُرک بود، امیر نظام گُرد و دیوان سالاری از فارس و... تشکیل می‌شد. هدف از ذکر این مثال این است که در صورت تثبیت قدرت در طول تاریخ ایران، برخورد حاکمان (قوم غالب) با اقوام دیگر به شیوه‌ای نبوده است که احساس نمایند، به خاطر ویژگی‌های قومی با آنها چنین رفتاری می‌شود. با در نظر گرفتن فراز و نشیب در این گیر و دار و چشم پوشی آگاهانه از موارد استثناء می‌توان در دوران پیشامدرن، حکومت صفوی را نقطه عطفی برای شکاف قومی عنوان کرد؛ زیرا که بر مبنای مذهب تشیع، گزینش حکومتی صورت گرفت و اقوامی که اهل تشیع نبودند به حاشیه رانده شدند و مورد تبعیض قرار گرفتند. و در دوران مدرن، می‌توان شدت گرفتن شکاف قومی و برخورد نابرابر دولت مرکزی در قبال اقوام فرودست را به دولت متمرکز و مدرن رضا شاه نسبت داد؛ زیرا که با تشکیل دولت و قدرت او والیان اقصاء نقاط کشور برچیده شد، ارتش متحده الشکلی تشکیل و زبان رسمی فارسی اعلام گشت.

حال با توجه به ریشه‌ی تاریخی این موضوع، این نوشته در صدد مطالعه‌ی سیاست‌های دولت مرکزی، پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با گروه‌های قومی و بررسی وضعیت، شرایط و موقعیت کنونی اقوام (به ویژه کردها) در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران هست.

### بیان مسأله

در پژوهش حاضر با مسأله‌ای سروکار داریم که با سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت مرکزی ارتباط دارد. این مسأله از دو طرف قابل ردیابی است: ۱) دولت مرکزی (قوم غالب) و سیاست‌های تبعیض آمیزش ۲) اقوامی که کمترین سهم را در هرم قدرت سیاسی دارند (اقوام تحت السلطه) و مورد تبعیض قرار می‌گیرند.

آمار و شواهد موجود در ایران، وجود نابرابری‌های بین اقوام را نشان می‌دهد. در این باره با در نظر گرفتن سه حوزه‌ی اصلی در سطح جامعه یعنی: حوزه‌ی اقتصادی، حوزه‌ی سیاسی و حوزه‌ی فرهنگی - اجتماعی، به بررسی نابرابری‌های موجود می‌پردازیم. (زیرا این سه حوزه در بطن خود نابرابری‌های دیگر را پوشش می‌دهند).

۱- نابرابری اقتصادی: نابرابری اقتصادی زمانی پیش می‌آید که اعضای یک گروه به شیوه منظم از دسترسی به موقعیت‌ها و کالاهای مطلوب اقتصادی منع شوند. بر این اساس در ایران مناطق قومی به ویژه مناطق کردنشین از نظر صنعتی از رشد کمتری برخوردارند، به عنوان مثال: در برنامه پنج ساله اول (سال ۷۲ -

۶۸) بالاترین سهم از اعتبارات بخش صنایع به استان اصفهان یعنی ۵۰٪ اختصاص داده شد و ۱۰ استان کشور اعم از ایلام، کرمانشاه، کردستان و... از اعتبارات ملی محروم بوده‌اند. در مجموع برنامه اول توسعه کشور ۸۰٪ بودجه به سه استان کشور و سهم استان کردستان ۱/۹٪ بوده است و با برنامه چهارم که ۲٪ بوده فرق فاحشی نداشته است (محمدزاده، ۸۰: ۱۴۱). با توجه به اینکه در این مناطق سرمایه گذاری نشده است، طبیعی است که از کارخانه‌های بزرگ تولیدی، راه آهن، مراکز مهم اقتصادی و... خبری نباشد.

۲- نابرابری سیاسی: بر اساس سیاست‌های دولت مرکزی، موقعیت‌های بالای سیاسی به طور انحصاری در دست گروه خاصی می‌باشد. به عنوان مثال در قانون اساسی آمده است کسی که اهل تسنن باشد نمی‌تواند رئیس جمهور شود (اصل ۱۱۵) و همچنین در نظام سیاسی ایران از سال ۱۳۵۷ به بعد کردها به مقام وزیر، معاونت وزیر، رئیس سازمان و رئیس دانشگاه منصوب نشده‌اند. کردهای (اهل تسنن) به سختی در دانشگاه‌های وابسته به ارگان‌های دولتی، از قبیل: دانشگاه امام صادق و امام حسین پذیرفته می‌شوند.

با توجه به ساختار حکومت تمرکزگرا، تمام اختیارات حکومتی بر اساس قانون اساسی در دست اقوامی غیرکرد (عمدتاً فارس و آذری) در مرکز است و سایر گروه‌های قومی در حاشیه به سر می‌برند که این فاکتور خود باعث عقب ماندگی در روند توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی مناطق قومی محسوب می‌شود.

۳- نابرابری فرهنگی - اجتماعی: در علم جامعه‌شناسی وجود فرهنگ‌های مختلف نشان دهنده‌ی تنوع افکار و کنش‌های متفاوت می‌باشد که موجب غنای فرهنگی و تمدن بشری می‌شود و نباید عناصر فرهنگی یک گروه بر گروه دیگر برتری داشته باشد؛ اما در سیستم سیاسی ایران ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی گروه خاصی موجبات کسب امتیاز بیشتر و به حاشیه‌رانی گروه‌های قومی دیگر را فراهم کرده است. به همین خاطر در زمینه‌ی وجود امکانات فرهنگی، استان کردستان در مقایسه با سایر مناطق به ویژه استان‌های مرکزی و فارس نشین، بسیار ضعیف و تفاوت عظیمی وجود دارد. در مجموع نابرابری‌های مشهودی در سیاست‌های فرهنگی دولت مرکزی ایران وجود دارد که مهمترین آن ممنوع کردن تدریس زبان‌های اقوام در سیستم آموزشی کشور است و نه تنها در مدارس بلکه در دانشگاه هم زبان کردی تدریس نمی‌شود، در حالی که زبان و ادبیات کردی در دانشگاه‌های معتبر جهان از جمله: بغداد، مسکو، فلوریدا، سوربن و... تا سطح دکترا تدریس می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر علاقه‌مندان را به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تحت عنوان "تأثیر تمرکزگرایی بر قوم‌گرایی" از حسین محمدزاده در سال ۱۳۸۰ ارجاع می‌دهیم.

## ضرورت و اهمیت مسأله

امروزه نمی‌توان اهمیت مسائل قومی را در فرایند همگرایی و واگرایی جوامع نادیده گرفت. اهمیت این موضوع از آن جهت است که از یک سو تمام حوزه‌های جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر طبق مدل هاگت<sup>۱</sup> مسأله مورد نظر از نظر ژئوپولیتیک دارای اهمیت فراوانی است؛ مثلاً کردها در یک جغرافیای معینی قرار گرفته و وجود افراد هم‌ریشه و هم‌نژاد خود در کشورهای همسایه باعث احساس مشترک و رابطه فرهنگی و اقتصادی شده و بروز مشکلات و ایجاد ناآرامی مسائلی را در سطح وسیع تری به وجود می‌آورد. با این حال پرداختن به این موضوع و ارائه راهکار مناسب برای بهبود وضع جامعه، روابط بین‌الملل و بازسازی رابطه‌ی گروه‌های قومی حائز اهمیت است.

اهمیت بحث نابرابری و احساس تبعیض بین اقوام در ایران به طور عموم و در بین کردها به طور خاص، با نگاهی به آمار مطالعه دفتر طرح‌های ملی که تحت عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۸۰ منتشر یافته، بهتر روشن می‌شود. با توجه به این تحقیق: ۸۴/۲ درصد از شهروندان سنندجی، ۸۲/۱ درصد از شهروندان زنجان، ۸۰/۱ درصد از شهروندان کرمانشاهی و ۷۰/۴ درصد از شهروندان ایلامی در جامعه‌ی ایران احساس ظلم و تبعیض می‌کنند (جدول ۲۴: ۵۶). در بحث احساس عدالت، ۵۳/۴ درصد از شهروندان سنندجی مخالف یا کاملاً مخالف این هستند که «حکومت در کشور، برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قائل است» ضمناً ۱۲ درصد از تعداد پاسخگویان گزینه‌ی «مردد» را انتخاب کرده‌اند (جدول ۱۵: ۱۰۱). با توجه به شرایط و جوّ مناطق کردنشین و اعمال سیاست‌های خاص قومی در این مناطق، ۶۸/۵ درصد از شهروندان سنندجی به سؤال «انتقاد بدون ترس از حکومت» جواب منفی و ۱۹/۳ درصد به این سؤال جواب «بینابین یا متوسط» داده‌اند (جدول ۱۵: ۱۱۸). و در مقایسه با سایر مناطق، بیشترین درصد پاسخ منفی، کردها بوده‌اند و این موارد برخورد متفاوت، تبعیض و احساس جدایی را به شکل جدی نشان می‌دهد؛ زیرا ذهنیت افراد انعکاسی از عالم واقع می‌باشد.

همچنین برای نشان دادن ضرورت پرداختن به این موضوع به گزارش جلسه هیأت وزیران (مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۵) که فهرست مناطق کمتر توسعه یافته کشور در اعلام گردید؛ اشاره می‌کنیم. در ماده نخست آمده است مناطق کردنشین غرب کشور، توسعه یافتگی کمتری در مقایسه با دیگر استان‌ها داشته است، به طوری که در استان آذربایجان غربی تمام شهرهای کردنشین (۱۰۰٪)، در استان کرمانشاه از ۱۳ شهرستان تابعه ۱۱

شهرستان (۸۶/۶٪)، در استان کردستان، از مجموع ۹ شهرستان، ۷ شهرستان (۷۷/۷٪) در ردیف مناطق "کمتر توسعه یافته" قرار گرفته‌اند.

جدای از آمار فوق، کتاب‌هایی که در مورد کردستان نوشته شده برجدی بودن تبعیض قومی تأکید می‌کنند. مثلاً: در کتاب "کردها و کردستان" در مورد وجود تبعیض در این مناطق آمده است: «سیاست‌های تبعیض در ایران و ترکیه حاکم است و این کشورها برتری و استیلای فرهنگ خویش را بر فرهنگ کردی تحمیل کرده‌اند» (درک کنیان، ۱۳۷: ۷۶). یا در کتاب "کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی" اشاره می‌شود که «محرومیت اقتصادی در مناطق کردنشین در مقایسه با مناطق دیگر کشور ایران، چشمگیر و مضاعف است. لذا کردها برای رهایی از این وضع دست به قیام زده‌اند» (جلائی پور، ۱۳۹: ۷۲).

### تعریف مفاهیم<sup>۱</sup>

چون وضعیت تبعیض آمیز را در ایران در میان قوم کرد بررسی می‌کنیم. لازم است فضای مفهومی کلمات کلیدی به کار رفته در این پژوهش را روشن سازیم.

#### ۱- گروه اقلیت (Minority Group)

در پژوهش حاضر با توجه به سیاست‌های موجود در مورد گروه‌های قومی، دینی و... آنها را اقلیت می‌خوانیم؛ زیرا حضور آنها در مراکز تصمیم‌گیری کم رنگ و از نظر عددی، جمعیت کمتری دارند و می‌توان گفت که تحت سلطه‌ی گروه مسلط قرار گرفته و مورد تبعیض واقع می‌شوند. در این راستا به نظریاتی که به تعبیر ما نزدیک‌تر است، اشاره می‌شود.

گیدنز گروه اقلیت را گروهی می‌داند که «اعضای آن توسط اکثریت جمعیت در یک جامعه مورد تبعیض واقع می‌شوند. اعضای گروه‌های اقلیت اغلب دارای حس همبستگی گروهی نیرومندی هستند که تا اندازه‌ای از تجربه‌ی جمعی محرومیت ناشی می‌شود» (گیدنز، ۲۹۲: ۷۶). همچنین دشنه<sup>۲</sup> معتقد است اقلیت، گروهی از شهروندان کشور هستند که به لحاظ عدد بخش کمتر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند در حاکمیت کشور شرکت ندارند و دارای خصوصیات قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از اکثریت افراد جامعه بوده و نوعی حس همبستگی در آنها وجود دارد که از اراده جمعی برای بقاء نشأت می‌گیرد و هدف آنها دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم می‌باشند (ترنبری، ۱۳۹: ۷۹). در فرهنگ علوم

۱- در این مقاله از تعریف برخی از مفاهیم مطرح شده در پایان نامه صرف نظر شده است.

اجتماعی آمده است: «اقلیت‌ها به آن زیرگروه‌های درون یک فرهنگ اطلاق می‌شود که از گروه مسلط صاحب قدرت به واسطه و اختلاف در کیفیت جسمانی، زبان، رسوم یا الگوهای فرهنگی قابل تشخیص باشند. چنین زیرگروه‌های ذاتاً متفاوت از گروه مسلط صاحب قدرت به شمار می‌آیند یا خود را به شمار می‌آورند (گولدو کولب، ۷۶:۸۸).

کردها به آن جهت در ایران اقلیت خوانده می‌شود که از نظر جمعیتی تعداد کمتری را در مقایسه با گروه حاکم دارا هستند و از نظر عناصر و الگوهای فرهنگی از سایر اقوام قابل تشخیص می‌باشند. این تمایزات، برخورد متفاوتی از سوی دولت مرکزی را به دنبال داشته است که نهایتاً باعث تقویت احساس مشترک (همدردی) بین آنها شده است.

## ۲- دولت (State)

در اینجا عامل اساسی در ایجاد تبعیض قومی، دولت (مرکزی) در نظر گرفته شده است. می‌توان دولت را حاکمیت یک گروه بر قلمرو سرزمینی مشخص دانست که دارای مشروعیت سیاسی هستند و در صدد ایجاد امنیت و نظم مورد نظر خود در سطح جامعه برمی‌آیند. تعریف "ل.و.بالارد" به تعبیر ما نزدیک است که می‌نویسد: به بیان جامعه‌شناسی دولت سازمانی است که اداره ملت را که دارای ترکیب سیاسی است بر حسب منافع جمعی آن سازمان می‌دهد (همان: ۴۲).

## ۳- تبعیض (Discrimination)

در این پژوهش تبعیض را، رفتار یا برخوردی می‌دانیم که فرد یا گروهی را از دستیابی به فرصت برابر در زمینه‌های مختلف محروم می‌سازد، در حالی که با ویژگی و توانایی‌های افراد آن گروه ارتباطی ندارد، به طوری که گروه مسلط برای قبضه کردن امور در دست خود، چنین سیاستی را دنبال می‌کند.

در این زمینه، گیدنز معتقد است: «تبعیض به رفتار واقعی اطلاق می‌شود که اعضای یک گروه را از فرصت‌هایی که در برابر دیگران گشوده است محروم می‌سازد» (گیدنز، ۷۶:۲۹۳). تبعیض به نحوه برخورد نامطلوب با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم‌آمیز دلالت می‌کند. در این نوع کاربرد، به جریان یا نوعی از کنترل اجتماعی دلالت می‌کند، که برای حفظ فاصله‌ی اجتماعی میان دو یا چند گروه از طریق اتخاذ شیوه‌هایی کم و بیش نهادی شده سودمند است. شیوه‌های اعمال شده متضمن اسناد خودسرانه‌ی صفت زیردستی در زمینه‌هایی است که ارتباط چندانی با رفتار حقیقی افراد مورد تبعیض ندارد، و معمولاً با مفاهیم پذیرفته شده‌ی عدالت و انصاف در تضاد است (گولدو کولب، ۷۶:۲۱۲). برخورد تبعیض‌آمیز با پیشداوری همراه است، بدین گونه که از طرز فکرهای تعصب‌آلود پدید می‌آید.

در علوم اجتماعی تقریباً از تبعیض به عنوان رفتاری نامطلوب یاد می‌شود و یکی از تعریف‌هایی که به

شیوه‌ی بی‌طرفانه مطرح است، این است: «تبعیض متضمن هرگونه رفتاری است که بر دلایل و موجباتی از نوع طبیعی یا اجتماعی مبتنی باشد، دلایل و موجباتی که نه با استعدادها یا شایستگی‌های فردی ارتباط دارد و نه با رفتار مشخص خود فرد.» «بری» نیز تعریف بی‌طرفانه‌ای از تبعیض به دست می‌دهد: «طرز برخورد اخلاقی هماهنگ با افرادی که متعلق به دسته یا گروه خاصی تلقی می‌گردند.» او ادامه می‌دهد «اقوام مسلط در همه جا به تدبیرهای گوناگونی متوسل شده‌اند تا گروه‌های نژادی و قومی را که تحت سلطه‌ی خود گرفته‌اند از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در تنگنا قرار دهند. اصطلاحی که معمولاً به چنین شیوه‌هایی اطلاق می‌شود تبعیض است.» و در واقع این کار «شوق گروه امتیاز از دست داده را برای رسیدن به پایگاه برتر ضعیف می‌کند... مهم‌تر این واقعیت است که سیاست‌های تبعیض‌آمیز موجب می‌شود که دست یافتن به دانش، مهارت و وسیله‌ی ارتقای پایگاه برای گروه زیرستم دشوار شود» (همان منبع).

در این پژوهش، تبعیض قومی در مورد کردها به رفتار، سیاست و اقدامات دولت مرکزی اطلاق می‌شود که از ایدئولوژی و نگرش آنها سرچشمه گرفته، که باعث رابطه‌ی نابرابر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی شده است به نحوی که آنها در سطوح مختلف جامعه حذف و درحاشیه قرار گرفته‌اند.

#### ۴- قوم کرد

کردها مردمانی هستند که در سرزمینی به نام کردستان زندگی می‌کنند که در جنوب شرقی ترکیه، شمال و شرق عراق، غرب و شمال غربی ایران، جنوب ارمنستان و شرق و شمال سوریه محدود می‌شود. البته نباید فراموش کرد که تعداد زیادی کرد در کشورهای اروپایی و امریکایی از ترس یا به طور آزادانه کشور خود را ترک کرده‌اند. کردها دارای فرهنگ جداگانه‌ای هستند و زبان، ادبیات، افسانه، سرزمین مشخص و... خاص خود را دارند. خود را کرد می‌دانند، گذشته‌ی مشترک و هویت خاصی برای خود قائل هستند.

#### قلمرو پژوهش

تحقیق حاضر کردهایی که در استان کردستان ایران زندگی می‌کنند را مد نظر دارد. گرچه در استان‌های ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی، خراسان و... کردها زندگی می‌کنند. این پژوهش می‌خواهد مواردی از سیاست‌ها و برنامه‌ها و اقدامات دولت مرکزی نسبت به کردها در استان کردستان بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ را مورد بررسی و ریشه‌یابی قرار دهد.

#### هدف تحقیق

هدف تحقیق بررسی سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی در قبال کردها می‌باشد. البته مفهوم تبعیض را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: ۱) تبعیض از نظر واقعیت اجتماعی که به عنوان پدیده‌ی عینی در عالم واقع

قابل شناسایی است. که در این تحقیق آن را بر اساس قوانین موجود و سیاست‌های اعمال شده تحلیل می‌نماییم. (۲) احساس تبعیض قومی که پدیده‌ای است ذهنی و انعکاسی است از عالم واقع. به عبارت دیگر کردها با دیگر مناطق، خود را مقایسه کرده و در این جریان به تفاوت‌ها و برخوردهای تبعیض‌آمیز پی برده که موجب احساس محرومیت نسبی می‌شود (این قسمت را به وسیله سؤالات پرسشنامه مشخص می‌سازیم). در مورد هدف‌های ضمنی می‌توان به این نکته اشاره کرد که این نوع تحقیق‌ها دریچه‌ای را در جهت برقراری گفت‌وگو بگشاید، تا با مسائل قومی به شیوه‌ی علمی برخورد شود و تفکر قالبی و پیشداوری در این زمینه به حداقل برسد.

تلاش ما بررسی منشأ مسأله قومی (تبعیض) است و محقق معتقد است که این پدیده بیشتر ریشه داخلی دارد نه خارجی؛ زیرا از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرکزی اعمال می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل این است که سیاست‌های تبعیض‌آمیز موجب عدم سرمایه‌گذاری فرهنگی و اقتصادی می‌شود که نتایج آن می‌تواند توسعه نیافتگی و محرومیت مناطق قومی باشد و این محرومیت و عدم سرمایه‌گذاری خود عامل مهم در جهت عدم امنیت این مناطق محسوب می‌شود. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری نکردن دولت مرکزی در کردستان، می‌تواند ناامنی و تنش را به دنبال داشته باشد.

### سؤالات تحقیق

۱. آیا در کردستان (ایران) تبعیض قومی وجود دارد؟
۲. در صورت وجود، مهمترین عامل در ایجاد تبعیض قومی نسبت به کردها چیست؟
۳. میزان احساس تبعیض قومی در میان کردها (استان کردستان) در چه سطحی است؟
۴. آیا تبعیض قومی در میان کردها بر (تقویت) هویت قومی آنها تأثیر گذاشته است؟<sup>۱</sup>
۵. آیا تبعیض قومی نسبت به کردها، موجب شکاف قومی (میان دولت مرکزی و کردها) شده است؟
۶. آیا تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، دینی و... در میزان تبعیض قومی تأثیر دارد؟

### پیشینه تحقیق

مطالب درباره قومیت در مقایسه با حوزه‌های دیگر جامعه‌شناسی کمتر است و یافتن کتاب‌هایی که از بُعد نظری و روشی مناسب باشد دشوار. در داخل کشور تحقیقی که مستقیماً به موضوع پژوهش حاضر پرداخته باشد کمیاب و اگر موجود باشد محرمانه تلقی می‌شود. در مورد مسائل قومی کارهای پراکنده‌ای صورت گرفته است، که دقیقاً در راستای پژوهش حاضر نیست. مثلاً در مورد کردها کارهای متعددی وجود دارد که

۱- در این مقاله از بررسی "تأثیر تبعیض قومی بر تقویت هویت قومی" صرف نظر شده است.



ابعاد مختلفی چون ادبیات، زبان، جغرافیا، تاریخ و... جامعه‌ی کردها را مورد بررسی قرار داده است. در زمینه‌ی تبعیض قومی در خارج از کشور کارهای بیشتری انجام گرفته که هر کدام در کشورها و محیط‌های متفاوتی صورت گرفته و نمی‌توان آنها را برای شرایط وضعیت کشور ایران به کار برد و تعمیم داد. در اینجا به ذکر چند مورد اکتفاء می‌کنیم.

### کتاب‌ها<sup>۱</sup>

۱. قومیت و قوم‌گرایی در ایران نوشته حمید احمدی؛
۲. کردستان و علل تداوم بحران... نوشته حمیدرضا جلائی‌پور؛
۳. تحولات قومی در ایران نوشته مجتبی مقصدی؛

### مقالات

۱. خرده فرهنگ‌ها، دولت مدرن پهلوی و توسعه‌یافتگی سیاسی نوشته بابک نادرپور ( فصلنامه مطالعات ملی شماره ۹).
۲. تئوری جنبش‌های اجتماعی و کاربرد آن در ایران نوشته هوشنگ امیر احمدی (که در فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی پیش شماره‌ی دوم تحت عنوان "قومیت و امنیت" توسط حسن شفیعی ترجمه شده است).
۳. مسأله‌ی وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران نوشته ابراهیم حاجیانی ( نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳).

### پایان نامه‌ها

۱. فضا و نابرابری اجتماعی از عماد افروغ در دانشگاه تربیت مدرس (مقطع دکتری) در سال ۱۳۷۶؛
۲. تأثیر تمرکزگرایی بر قوم‌گرایی نوشته حسین محمدزاده؛ دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (مقطع کارشناسی ارشد)، سال ۱۳۸۰؛
۳. نقش تضادهای قومی و مذهبی در فرایند توسعه‌یافتگی نوشته ملیحه احمدپور از دانشگاه آزاد اسلامی (مقطع کارشناسی ارشد) در سال ۱۳۷۷.

### جمع‌بندی پیشینه تحقیق:

در بررسی کتب، پایان نامه‌ها و مقالات موجود در رابطه با قومیت و برخورد دولت مرکزی با آنها

۱- در پایان نامه به طور تفصیلی به نقد و بررسی منابع مذکور پرداخته شده است.

می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: یک) مسائل قومی و مطالعه در این زمینه اغلب با نوعی واهمه و ترس همراه است که محقق نمی‌تواند تحلیل خود را عمیقاً دنبال کند، به عبارت دیگر بحث‌های قومی در ایران بیشتر سیاسی قلمداد می‌شود تا اجتماعی و این خود بر روند تحقیقات تأثیرات عمیقی می‌گذارد. دوم) بعضی از محققان (مرکز نشین) از دید توطئه و توهم به فعالیت و مسائل قومی در ایران نگاه می‌کنند. سوم) در این زمینه کمتر به رابطه دولت مرکزی و گروه‌های قومی پرداخته‌اند و تحقیقاتی که به سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دولت مرکزی نسبت به اقلیت‌ها پرداخته باشد کمیاب است. چهارم) در مجموع تحقیقات انجام شده در ایران در زمینه اقوام انگشت شمار و کم است. در پایان این قسمت جدولی که میزان توجه محققان به تبعیض قومی را در منابع مذکور مشخص می‌کند؛ مطرح می‌سازیم.

جدول شماره ۱

| منابع   |  | میزان توجه به تبعیض قومی | به نابرابری و تبعیض قومی توجهی نکرده است. | به نابرابری و تبعیض قومی اشاره‌ای کرده است. | نابرابری و تبعیض قومی را عامل منازعات قومی به حساب می‌آورد و نقش دولت مرکزی را در این زمینه اساسی می‌داند. |
|---------|--|--------------------------|---|---|--|
| کتاب‌ها | قومیت و قوم‌گرایی در ایران (احمدی)<br>کردستان و علل تداوم بحران (جلال‌نپور)<br>تحولات قومی در ایران (مقصودی)     | *                        | *   | *   | *  |
| مقالات  | خرده فرهنگ، دولت مدرن... (نادرپور)<br>تئوری جنبش‌های اجتماعی ... (امیر احمدی)<br>مسأله‌ی وحدت ملی و... (حاجیانی) | *                        | *   | *   | *  |

|   |  |   |   |  |              |
|---|--|---|---|--|--------------|
| * |  | * | * | فضا و نابرابری اجتماعی<br>(افروغ)<br>تأثیر تمرکزگرایی بر<br>قوم‌گرایی (محمدزاده)<br>نقش تضادهای قومی و...<br>(احمدپور) | بیان‌نامه‌ها |
|---|--|---|---|--|--------------|

### نگاهی به تئوری‌های مرتبط با موضوع

#### ادبیات نظری

در تحلیل منشأ تبعیض و به تبع آن محرومیت و عقب ماندگی مناطق کردنشین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) ناتوانی و ضعیف بودن سازوکار رفع نیازهای مادی و نداشتن روحیه تحرک (فعالیت اقتصادی) و انگیزه کسب مادیات از سوی کردها؛ ب) جغرافیای منطقه و دور افتادگی آنها از مرکز؛ ج) وجود احزاب سیاسی قومی (اپوزیسیون) و بروز درگیری‌ها و منازعات؛ د) سیاست تبعیض برنامه ریزی شده از سوی دولت مرکزی و غیره.

در این تحقیق با صرف نظر آگاهانه از عوامل دیگر به تحلیل سازوکارهای سیاست تبعیض قومی در ایجاد عقب ماندگی در مناطق کردنشین از سوی دولت مرکزی می‌پردازیم؛ زیرا اصولاً در کشورهای درحال گذار از جمله ایران، اقتدار سیاسی به دولت مرکزی محدود و قدرت سیاسی به شیوه ای متمرکز در دست گروه خاصی محدود شده و به وسیله آن در حوزه های مختلف دخالت و فرایند توسعه، را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در چنین حالتی اقلیت‌ها و گروه‌های ضعیف‌تر زیر سلطه‌ی دولت مرکزی قرار می‌گیرند. بنابر این مفاهیم نظری خود را بر رویکرد دولت - محور بنا می‌سازیم. و در صدد ریشه یابی، تحلیل و عوامل ایجاد تبعیض از سوی دولت مرکزی هستیم. در این رویکرد می‌توان از "تدا اسکاچ پل" نام برد که نقش دولت در تحولات، تغییرات و توسعه‌ی جامعه را اساسی می‌داند و وی را می‌توان به عنوان نظریه پرداز ساختارگرا که به تحلیل نظری "قدرت مرکزی" پرداخته است، شناخت.

با توجه به اهمیت موضوع، در تحلیل خود از "رهیافت بین رشته‌ای" استفاده می‌کنیم؛ زیرا از یک طرف هر کدام از این رهیافت‌ها، بخشی از واقعیت تبعیض و سیاست‌های دولت مرکزی را تفسیر می‌کنند و از طرف

دیگر تبعیض قومی در حوزه های مختلفی وجود دارد. به عبارت دیگر برای این که در مطالعه‌ی خود، از یک سوء دچار تحلیل تک بُعدی نشویم و از سوی دیگر چون هر کدام از رشته‌ها به بخشی از موضوع پرداخته و از دیگر اجزاء غفلت ورزیده‌اند، برای تحلیل همه جانبه، دیدگاه ترکیبی بهتر می‌تواند مسأله‌ی ما را تبیین نماید.<sup>۱</sup>

در رهیافت سیاسی، مفاهیمی از قبیل: عدم استقرار نظام شهروندی، «سلطه‌ی قومی و قطبی شدن جامعه» و کثرت گرایی و تئوری‌هایی مانند: تئوری استین روکان<sup>۲</sup> و تئوری جوزف روتشیلد<sup>۳</sup> را مورد بررسی قرار داده ایم. در رهیافت فرهنگی - اجتماعی به تئوری اندرسون<sup>۴</sup>، تئوری واکر کانر<sup>۵</sup> و تئوری مایکل هشتر<sup>۶</sup> (استعمار داخلی)<sup>۷</sup> اشاره شده است. در رهیافت اقتصاد (سیاسی) تئوری‌های مرکز - پیرامون<sup>۸</sup>، توسعه نا هماهنگ و نابرابری‌های منطقه‌ای<sup>۹</sup> و تئوری میلتون ایسمن<sup>۱۰</sup> به بحث گذاشته شده است. و در حوزه‌ی روانشناسی مفهوم پیشداوری<sup>۱۱</sup> و تصورات ثابت قالبی<sup>۱۲</sup> را مطرح کرده ایم.

### جمع بندی ادبیات نظری

در مرور نظری بر این نکته تأکید شده است که در میان رهیافت‌ها و نظریات مختلف به مواردی اشاره شود که بیشترین ارتباط را با رویکرد دولت - محور و تبعیض قومی داشته باشد. در ادامه به شیوه‌ی اختصاصی تر در میان رشته‌های مذکور به نظریاتی اشاره می‌شود که قابلیت تحلیل و تبیین تبعیض قومی بیشتری داشته باشد. در رهیافت سیاسی به تئوری استین روکان اشاره می‌شود که دولت مرکزی را به عنوان عامل مهمی در بروز مسائل قومی می‌داند. بدین معنا که از طریق شکاف‌هایی که در نتیجه‌ی اعمال نابرابری میان دولت مرکزی و گروه‌های قومی ایجاد می‌شود، پدیده‌ی مرکز- پیرامون به وجود می‌آید که در این فرایند به پیرامون توجه چندانی نمی‌شود و از نظر سرمایه گذاری اقتصادی و فرهنگی این مناطق، در وضعیت نا مناسبی قرار می‌گیرند. در رهیافت فرهنگی - اجتماعی، تئوری مایکل هشتر برای تبیین تبعیض قومی مناسب‌تر

۱- در تقسیم‌بندی مطالب از کتاب «تحولات قومی در ایران علل و زمینه‌ها» نوشته مجتبی مقصدی استفاده شده است.

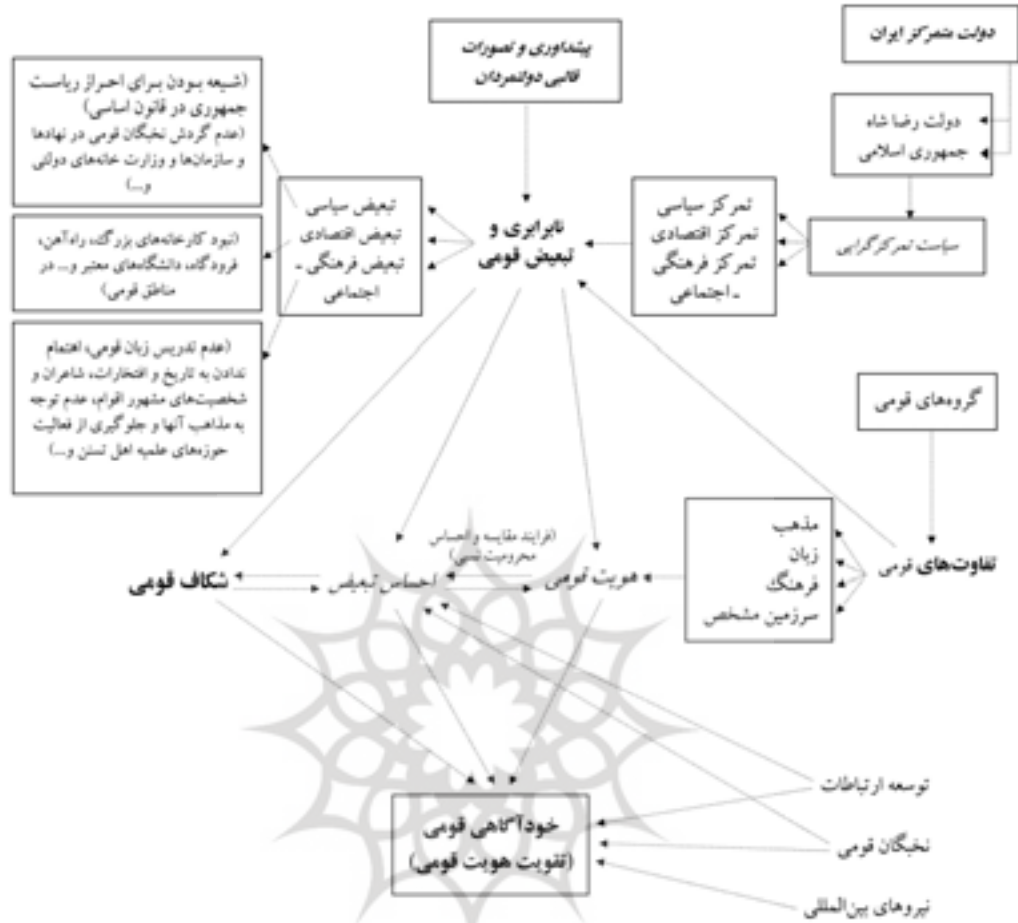
- 2- Stein rokan
- 3- Joseoh Rotschild
- 4- Anderson
- 5- Walker conner
- 6- Michael Hechter
- 7- Internal Colnialism
- 8- Center (or core) and periphery theory
- 6- uneven development & Regional inequalities Theory
- 10- Milton j. sman
- 11- Prejudice
- 12- Stereotypes

به نظر می‌رسد. او با مطرح کردن استعمار داخلی، به تحلیل روابط نابرابر فرهنگی بین فرهنگ سلطه‌گر و فرهنگ‌های زیر سلطه در یک جامعه می‌پردازد که عامل آن را دولت مرکزی می‌داند که در دست عده‌ای خاص قبضه شده و با بهره‌گیری از ابزارها و نهادهای دولتی به حاشیه رانی اقوام و استثمار آنها مبادرت می‌ورزند. در مورد جامعه‌ی ایران می‌توان گفت که دولت با نفوذ در حوزه‌های فرهنگی و مسلط شدن بر سازوکارهای این حوزه از فعالیت‌های دیگر اقوام از جمله کردها جلوگیری می‌نماید (عدم تدریس زبان آنها در سیستم آموزشی، سخت‌گیری کردن در مورد مذهب و ملاک قرار دادن آن برای گزینش پست‌های دولتی و...) تا جایی که وضعیت فرهنگی نابسامان و نگران‌کننده‌ای برای آنها ایجاد شده که متأسفانه این وضعیت نا مطلوب فرهنگی استمرار دارد که به عنوان دغدغه‌ی اصلی نخبگان قومی و مذهبی درآمده است. این نوع استعمار را می‌توان در حوزه‌ها و سطوح مختلف مشاهده کرد، از امکانات فرهنگی و کیفیت دانشگاه گرفته تا وضعیت باسوادان، همگی نشانه‌ی عدم رسیدگی و بی‌توجهی به این مناطق است. در حوزه‌ی اقتصادی بیشترین تأکید محقق، بر تنوری میلتون ایسمن است که سیاست‌ها و برنامه‌های تبعیض آمیز دولت مرکزی را در حوزه‌ی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد و به تقسیم نا عادلانه‌ی بودجه ملی، تسلط بر منابع کمیاب اقتصادی و... اشاره می‌کند که می‌توان آن را عامل مهمی در توسعه نیافتگی و نابرابری قومی به حساب آورد. نابرابری اقتصادی استان کردستان در مقایسه با استان‌های مرکزی به وضوح قابل مشاهده است و نسبت به حوزه‌های دیگر مشخص‌تر، به عنوان مثال در طبقه‌بندی استان‌ها، کردستان آخرین رتبه را در سال ۱۳۷۰ در سطح کشور به خود اختصاص داده و جزء استان‌های توسعه نیافته کشور بوده است (ماهنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۱-۱۲۲: ۱۷۹). و یا در سال ۱۳۷۳ در سطح بندی استان‌های کشور از لحاظ توسعه صنعتی، باز هم استان کردستان در رتبه‌ی آخر (رتبه ۲۲) قرار گرفته است (خسروی، ۱۰۰: ۷۷). این آمارها و واقعیت‌های موجود در این زمینه در استان کردستان را می‌توان به عنوان نمودهای عینی برای تقسیم نا عادلانه‌ی بودجه‌ی، عدم سرمایه گذاری و در مجموع تبعیض قومی به کار برد. از دیدگاه روانشناسی با تأکید بر پیشداوری و تصورات قالبی، در صدد پی بردن به ریشه و منشأ تبعیض و برخورد متفاوت دولت مرکزی با کردها برآمده که موجب تعمیم‌های نامناسب و بدون سند می‌شود (از جمله "کردها تجزیه طلبند"). از نظر تئوریک می‌توان به میزان تفاوت‌های فرهنگی اقوام در ایجاد و تقویت پیشداوری و تصورات قالبی اشاره کرد که در کم و کیف تبعیض قومی مؤثر است. نگارنده در میان عوامل ایجاد کننده‌ی پیشداوری و تصورات قالبی، به عامل تبلیغات و اطلاعات جهت دار یک سویه منفی از سوی دولت مرکزی تأکید و آن را در ایجاد شکاف قومی مهم می‌داند.

## به سوی یک چارچوب مفهومی

پس از مرور تئوری‌ها و رهیافت‌هایی در زمینه قومیت و نقش دولت مرکزی در قوم‌گرایی و اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز نسبت به گروه‌های قومی، به نظر می‌آید هیچکدام از تئوری‌ها به تنهایی نمی‌تواند مسأله‌ی ما (تبعیض قومی) را تحلیل نماید. در این قسمت در صدد ترسیم مدل چارچوب نظری هستیم تا در آن متغیرهای مورد نظر این پژوهش و روابط بین آنها مشخص گردد. در این چارچوب دو عامل اساسی به عنوان مبنا در نظر گرفته شده است: الف) وجود گروه‌های قومی در ایران؛ ب) دولت مرکزی که حاکم بر گروه‌های قومی است. در این چارچوب با تأکید بر سیاست‌های تمرکزگرا در حوزه‌های مختلف و وجود پیشداوری و تصورات قالبی دولتمردان در صدد ریشه‌یابی و تحلیل نابرابری و تبعیض در زمینه‌های مختلف برآمده‌ایم. در این پروسه تفاوت‌های قومی اعم از زبان، مذهب و... به عنوان عامل مهم و بالقوه در به کارگیری سیاست تبعیض در نظر گرفته‌ایم و بر این نظر هستیم که هر چه تفاوت قومی با ویژگی‌های قوم غالب (دولت مرکزی) بیشتر باشد، رفتار تبعیض‌آمیز نیز افزایش می‌یابد. در ادامه به سیاست تبعیض در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی و تأثیر آن بر احساس تبعیض اشاره شده که می‌تواند بر شکاف قومی، تقویت هویت قومی<sup>۱</sup> تأثیرگذار باشد. متغیرهای دیگری که به صورت مستقل در این مدل بر احساس تبعیض و مسائل قومی مؤثر واقع شده‌اند عبارتند از: الف) توسعه ارتباطات؛ ب) نخبگان قومی؛ ج) نیروهای بین‌المللی؛ در چارچوب مفهومی ما، این متغیرهای در مقایسه با عامل دولت مرکزی متغیر ثانویه در نظر گرفته‌ایم بدین معنا، اگر دولت مرکزی سیاست تمرکزگرایی را در حوزه‌های مختلف پیش گیرد و میان افراد و گروه‌های قومی تبعیض قایل شود، شرایط و بستر مناسب برای فعال شدن متغیرهای دیگر از جمله نخبگان قومی و نیروهای بین‌المللی به وجود می‌آید که نهایتاً به شکاف قومی و... می‌انجامد. در این راستا می‌توان به این نکته اشاره کرد که هر چه میزان تبعیض قومی و احساس آن افزایش یابد، شکاف قومی نیز عمق بیشتری پیدا می‌کند. در ادامه‌ی تفسیر چارچوب مفهومی به متغیر تقویت هویت قومی اشاره می‌کنیم که خود وابسته به میزان احساس تبعیض، نخبگان قومی، توسعه ارتباطات و... است (به عنوان متغیر وابسته)، که می‌تواند بر شکاف قومی مؤثر واقع شود (به عنوان متغیر مستقل)؛ زیرا هر چه خود آگاهی قومی افزایش یابد، از طریق مقایسه کردن خود با دیگران به نارسایی‌ها، کمبودها و محرومیت‌های گروه قومی خود بیشتر آگاه می‌شوند و در نتیجه فاصله و شکاف قومی محرز و عمیق‌تر به نظر می‌آید.

۱- قسمتی از پایان نامه به پیامدهای تبعیض قومی از قبیل تقویت هویت قومی، شکاف قومی و... اختصاص داده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فرضیات

### پیش فرض‌ها

۱. تبعیضاتی که در مناطق کردنشین ایران پیش آمده است به طور اتفاقی صورت نگرفته است.
۲. هویت قومی کردی در صدد انکار هویت ملی برنیامده، بلکه خواهان همزیستی مسالمت آمیز با آن است.
۳. ناسیونالیسم قومی در راستای دموکراتیزه کردن جامعه ایران حرکت می‌کند و در صدد مخالفت با گروه‌های دیگر برنیامده بلکه خواهان احقاق حقوق آنهاست.

### فرضیه اصلی

- مهمترین عامل محرومیت و عقب‌ماندگی گروه‌های قومی (به ویژه کردها) در ایران، تبعیض قومی می‌باشد که از سوی دولت مرکزی اعمال می‌شود.

### فرضیه‌های فرعی

۱. تمایزات و تفاوت‌های قومی در میزان تبعیض اثرگذار است؛ به عبارت دیگر هر چه گروه‌های قومی (حاشیه‌ای) از نظر ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی اعم از زبان، مذهب و... با دولت مرکزی (گروه غالب) تفاوت بیشتری داشته باشند، سیاست‌های تبعیض آمیز افزایش می‌یابد.
۲. سیاست‌های تبعیض آمیز دولت (ایران) باعث تقویت هویت قومی (قوم کرد) شده است.
۳. تبعیض و نابرابری در حوزه‌های مختلف موجب شکاف قومی شده است.

### مبانی روشی تحقیق

به دلیل نشان دادن مفهوم تبعیض و سنجش احساس آن، از روش توصیفی استفاده شده است. در این نوع تحقیق، محقق در صدد پی بردن به رابطه‌ی بین متغیرهاست. همچنان که دوورژه انجام تحقیقات و مشاهده‌ی واقعیت‌های اجتماعی را بر اساس دو نوع روش تقسیم بندی می‌کند: الف) بررسی و تحلیل سندهایی که پدیده‌های اجتماعی روی آنها اثر گذاشته‌اند که مشاهده‌ی اسنادی نام دارد. ب) مصاحبه و پرسشنامه و... (دوورژه، ۶۶:۷۷). جهت بررسی موضوع تحقیق از هر دو مورد سود جستیم. به عبارت دیگر برای بررسی وجود تبعیض قومی (عینی) از اسناد و مدارک موجود و برای سنجش احساس تبعیض (ذهنی) از ابزار پرسشنامه و از تکنیک مشاهده و مصاحبه (با کارشناسان، صاحب‌نظران و مردم این مناطق) استفاده کرده‌ایم. قلمرو مکانی این تحقیق استان کردستان می‌باشد و در شهر مریوان اقدام به پُر کردن پرسشنامه شده است. جمعیت ۱۵ سال به بالای این شهر در سال ۱۳۷۵، ۳۳۲۵۸ نفر که ۵۲/۱ کل جمعیت این شهر -۶۳۷۴۷ نفر- را تشکیل می‌دهد (آمارنامه سال ۱۳۷۵ استان کردستان).



## گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

بر اساس بلوک بندی‌های موجود در اجرای سرشماری، ۵۰ بلوک را (نمونه‌گیری مرحله اول) با احتمال متناسب با حجم که به شکل خوشه‌ای در سطح شهر تفکیک شده انتخاب نموده به طوری که ۲۵ بلوک برای آقایان و ۲۵ بلوک برای خانم‌ها به شیوه‌ی تصادفی، جدا و در مرحله بعد ضمن بررسی بلوک‌ها به منظور محاسبه‌ی جمعیت ۱۵ سال به بالا، اقدام به برآورد سهم هر بلوک برای حجم نمونه کردیم. بدین صورت که با چشم پوشی موارد استثنا، میانگین جمعیت ۱۵ سال به بالا را ۱۰۰ نفر محاسبه و ۱۰ درصد از آن را به وسیله نمونه‌گیری سیستماتیک (نمونه‌گیری مرحله دوم) انتخاب نمودیم به عبارت دیگر در هر بلوک ۱۰ نفر را انتخاب و با محاسبه ۵۰ بلوک، حجم نمونه‌ی ما به ۵۰۰ نفر رسید، البته کل جمعیت ۱۵ سال ما در سطح شهر ۳۳۲۵۸ نفر که با محاسبه حجم نمونه به وسیله فرمول کوکران حدود ۳۹۰ نفر به دست آمد که به دلیل اطمینان بیشتر از نتایج، حجم نمونه ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

## ایدئولوژی و سیاست‌های قومی در ایران<sup>۱</sup> و تأثیر آن بر تبعیض قومی

اصولاً سیاستگذاری قومی، تجلیاتی از قدرت، به ویژه گروه مسلط می‌باشد که مجموعه‌ای از اهداف، راهبردها و رویکردی است که به منظور تنظیم مناسبات قدرت با گروه‌های قومی از سوی حاکمیت اعمال می‌شود، هدف سیاست قومی شکل دهی، نظم بخشی و ساماندهی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای رسیدن به منافع و اهداف ملی است (حق پناه، ۸۰: ۵). نبود سیاست‌های شفاف قومی راه را بر اعمال سلیقه‌های شخصی مدیران و عدم توزیع بهینه‌ی منابع می‌گشاید و نتایج آن، بحران اقتدار، بحران نفوذ و نهایتاً واگرایی در سطح دولت ملی تقویت می‌شود. نظام جمهوری اسلامی به دلیل خاستگاه دینی و انقلابی خود صبغه ایدئولوژیک دارد و فهم روند تحولات پس از انقلاب در عرصه‌ی مختلف از جمله مسایل قومی بدون تعمق پیرامون مبانی ایدئولوژیک آن ممکن نیست. با این مقدمه به مواردی می‌پردازیم که در آن رابطه‌ی ایدئولوژی و سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران را روشن سازد. الف) با توجه به نظام سیاسی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب ایده‌ی وحدت جهان اسلام و تأسیس امت واحده‌ی اسلامی مطرح شده است و اقوام در آن هیچ جایگاهی نداشت. ب) ماهیت شیعی انقلاب اسلامی که بیشترین تأثیر را در تدوین و اعمال مباحث قومی کشور دارد بر اساس قرائت فقیهانه از آیین تشیع که مذهب اکثریت در مناطق مرکزی کشور می‌باشد؛ موجب شکل‌گیری مسأله قومیت‌ها در ایران طی دهه‌های اخیر که بیشتر تابع عوامل سیاسی

۱- این قسمت برگرفته از گزارش «ایدئولوژی و سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی»، نوشته جعفر حق‌پناه، سال ۱۳۸۰ می‌باشد.

ایدئولوژیک از جمله فعال شدن شکاف و تبعیض مذهبی بوده است. به موجب قانون اساسی کشور، شروط لازم احراز بالاترین مناصب سیاسی، اجرایی و قضایی کشور اعتقاد به مذهب تشیع است (از جمله رهبری، ریاست جمهوری، ریاست قوه قضائیه و شورای نگهبان) در مواردی نیز که منع قانونی وجود ندارد، دیگر موانع ناشی از همین نگرش در سیاست قومی به شکل مؤثر اما نانوشته، تأثیر می‌گذارد. ه) وقتی ایدئولوژی شیعی مبنای نظام شد و تلاش‌هایی برای صدور انقلاب صورت گرفت با گرایش‌های سیاسی مذهبی رایج در ممالک اسلامی با چالش روبرو شد و با توجه به ارتباط گسترده مردم و نخبگان اقوام سنی مذهب ایرانی با کشورهای همجوار تأثیرپذیری از این گرایش‌ها، دامنه چالش مزبور به داخل کشیده شد و به سرعت تعارضات سیاسی و ایدئولوژیک بُعد قومی و مذهبی آن گسترش یافت. بدین ترتیب تمایز و تفاوت‌های که در گذشته سیاسی نبودند به ارزش‌های جمعی و محرک بسیج توده‌ای تبدیل و با بروز ناآرامی‌ها نهادها و عناصر جدیدی در تدوین و اجرای سیاست قومی وارد عرصه کشمکش شدند. نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی بنابه شرایط بحرانی منطقه حضور پررنگ و مؤثری در حاشیه کشور داشته که با گذشت زمان نقش نهادینه شده برای آنان در عرصه سیاست‌گذاری قومی به وجود آمد. ز) بررسی سیاست‌های فرهنگی، تبلیغاتی و آموزش دولتی، می‌تواند ما را به این نکته رهنمون کند که ایدئولوژی حکومت دینی بر تدوین و اجرای سیاست قومی در ایران، مسلط است. در حوزه فرهنگ عمومی با گذری بر نهادها که می‌توان آن‌را در برگزاری آیین‌های جمعی، نامگذاری اماکن و خیابان‌ها، مناسبت‌های روز و تعطیلات رسمی باز شناخت. در همه این عرصه‌ها بیشتر سمبل‌ها و نمادهای انقلابی و مذهبی تبلیغ می‌شوند تا سمبل‌های ملی. چنین الگویی را می‌توان در نظام آموزش و پرورش، تدوین کتب درسی دانش‌آموزان و برنامه‌های بخش امور تربیتی و پرورشی مدارس نیز مشاهده کرد. در سیاست‌های تبعیضی خارج از کشور نیز این سیاست به خوبی نمایان است که با تشکیل نهادهایی مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دارالتقریب، دانشگاه اهل بیت، مجموع جهانی اهل بیت و سیاست‌هایی مانند اعزام مبلغان علوم دینی، پذیرش طلاب خارجی و راه‌اندازی مدارس علوم دینی در خارج کشور به چشم می‌خورد. موارد عینی‌تر و گویاتر در زمینه سیاست‌های تبلیغاتی رسمی، مانند صدا و سیما و نحوه‌ی خبررسانی و برنامه‌سازی آن، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و ستادهای نماز جمعه و... در همه‌ی این عرصه‌ها تأکید اصلی بر ارزش‌ها و نهادهای انقلابی و مذهبی است و ارزش‌ها و نهادهای ایرانی و ملی نیز تا جایی که تعارض با موارد فوق نداشته باشد، مورد قبول و تبلیغ قرار می‌گیرند. اما باید بدانیم چتر تشیع و ایدئولوژی انقلابی همه‌ی گروه‌ها به ویژه اقلیت‌های مذهبی (اعم از اسلامی و غیراسلامی) را در برنمی‌گیرد. با توجه به آن‌چه اشاره شد می‌توان نتیجه گرفت که نظام ایدئولوژیک ذاتاً

تمرکزگرا و قایل به تمرکز قدرت است در این راستا کم توجهی به فرهنگ، ارزش‌ها، و نیازهای دیگران (غیرخودی) امری بدیهی است. که موجب ایجاد تقویت این احساس نزد گروه‌های قومی می‌گردد که آنها شهروندان درجه دو یا غیر شهروند هستند و به تبع، دچار محرومیت، ستم و باعث احساس تبعیض در جامعه می‌شود که می‌تواند جهت ناسیونالیسم مدنی را به سوی ناسیونالیسم قومی و فرهنگی تغییر دهد.

آنچه مسلم است، هنوز سیاست قومی مشخص، مدون و شفاف را از سوی دولت مرکزی نسبت به اقوام ایرانی که هویت فرهنگی، قومی و مذهبی آنها را تأیید نماید، نداریم. برخورد متفاوت همراه با این ابهامات و سرپوش نهادن بر مسائل قومی عواقب ناگواری به دنبال خواهد داشت و از درون تأثیرات عمیقی بر روابط اقوام و دولت مرکزی می‌گذارد و مسائل قومی به جای اینکه نمود پیدا کنند و صاحب‌نظران و مسئولین درصدد رفع آن برآیند، هر روز بر حجم، وسعت و شدت ناکامی افزوده می‌شود و موجب عدم احساس تعلق به نظام سیاسی می‌گردد. نهایتاً این فرایند، اعتماد اجتماعی را در سطح جامعه کاهش می‌دهد. مسلماً این وضعیت با توجه به تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌تواند به همین شیوه ادامه یابد. به همین جهت است که «آنتونی اسمیت» از «سربر آوردن ناگهانی قومیت» سخن می‌راند و یا «الیوت ارنسون» از خشونت که نتیجه‌ی آن محرومیت و ناکامی‌های افراد است بحث می‌کند.

### یافته‌های میدان

در این قسمت محقق بر آن است که به مواردی از نتایج استخراج پرسشنامه‌ی تنظیم شده پردازد، تا از این طریق به میزان گرایش، نظرات و احساس پاسخگویان در مورد گویه‌های مطرح شده پی ببریم. - در مورد احساس تبعیض سیاسی که در سه سؤال، آن را مطرح کرده‌ایم، نشان دهنده‌ی احساس شدید تبعیض سیاسی در میان پاسخگویان است، به طوری که:

۶۲/۸ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که شیوه‌ی برخورد مقامات دولتی در رابطه با رعایت حقوق آنها (حقوق شهروندی) «نامناسب» و «بسیار نامناسب» است و ۲۴/۸ درصد گزینه‌ی «متوسط» را انتخاب کرده‌اند.

۹۲/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که کردها به پست‌های ملی و منطقه‌ای دسترسی ندارند و دولت مرکزی آنها را در این زمینه حذف نموده است.

۵۹/۲ درصد از حجم نمونه بر این عقیده‌اند که حضور نیروهای امنیتی ویژه در مناطق کردنشین به‌خاطر بی‌اعتمادی به آنهاست و همچنین ۱۹/۲ درصد گزینه‌ی «بی‌نظر» را انتخاب نموده‌اند.

- در رابطه با احساس تبعیض اقتصادی که در سه سؤال زیر عملیاتی شده آمده است:

۸۳ درصد از پاسخگویان اذعان کرده اند که امکانات رفاهی، تفریحی، بهداشتی و... در مناطق کردنشین در مقایسه با استان‌های فارس نشین "نامناسب" و "بسیار نامناسب" است و ۸/۴ درصد گزینه‌ی "متوسط" را برگزیده‌اند.

در مورد وضعیت سرمایه‌گذاری اقتصادی در مناطق کردنشین در مقایسه با مناطق فارس نشین بیش از ۷۴ درصد معتقدند که وضعیت کردها "نامناسب" و "بسیار نامناسب" است و ۱۷/۸ درصد اظهار داشته‌اند که این وضعیت در سطح "متوسط" است.

۸۳/۶ درصد از پاسخگویان بر این نظرند که دولت مرکزی در محرومیت و عقب‌ماندگی استان کردستان نقش مؤثری دارد و ۹/۸ درصد در این زمینه "مردد" بوده‌اند.

- در باره‌ی احساس تبعیض فرهنگی - اجتماعی که در سه سؤال زیر مشخص شده است آمده است:  
۸۷/۸ درصد از پاسخگویان نسبت به تحصیل نکردن با زبان کردی (مادری) "ناراضی" یا "کاملاً ناراضی" هستند و ۸/۴ درصد از پاسخگویان گزینه‌ی "احساس خاصی ندارم" را انتخاب نموده‌اند.

۶۷/۸ درصد از پاسخگویان اذعان کرده‌اند که دولت مرکزی در مسلط نمودن فرهنگ قوم فارس بر فرهنگ قوم کرد تلاش می‌کند و ۹ درصد آنها "بی‌نظر"، ۱۶/۴ درصد "مخالف" و ۶/۸ درصد گزینه‌ی "کاملاً مخالف" را انتخاب کرده‌اند.

۷۸/۶ درصد از پاسخگویان بر این عقیده‌اند که سخت‌گیری‌های شدید مسؤلان و مقامات دولتی در مورد فعالیت‌های فرهنگی کردها وجود دارد و ۱۴ درصد در این باره نظر خاصی نداشته و ۷/۴ درصد "مخالف" یا "کاملاً مخالف" بوده‌اند.

- احساس تبعیض عمومی و عدالت قومی در قالب دو سؤال آمده است که پاسخگویان چنین پاسخ گفته‌اند:

بیش از ۶۷ درصد بر این نظرند که دولت مرکزی ارزش و احترام یکسانی برای همه اقوام قائل نیست و ۱۴/۶ درصد گزینه "مردد" را انتخاب و ۱۸/۱ درصد هم "مخالف" یا "کاملاً مخالف" را برگزیده‌اند.

۷۲ درصد از پاسخگویان ظلم و تبعیض را نسبت به کردها از سوی دولت مرکزی را جدی دانسته‌اند به طوری که گزینه‌های "زیاد" و "بسیار زیاد" را انتخاب نموده‌اند و اگر ۱۶ درصد از پاسخگویان که گزینه "متوسط" را برگزیده‌اند را به این تعداد اضافه نماییم، ۸۸ درصد از وجود ظلم و تبعیض در مورد کردها، سخن به میان آورده‌اند.

با توجه به ۱۱ سؤال مطرح شده، می‌توان گفت میزان احساس تبعیض بین کردها به شکل جدی وجود

دارد.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

تبعیض و نابرابری از زمره عیوب هر نظامی بشمار می آید. ردیابی نابرابری‌ها و تغییر آنها در واقع، گامی در جهت افشای آن و آگاهی از ضرورت اتخاذ برخی اشکال از اقدام ترمیم کننده است (پیرژرژ، ۷۰: ۱۳۷). نقش دولت در این زمینه محرز و مؤثر است به طوری که گیدنز در مورد نقش دولت در فرایند توسعه از "جواستیکلیتر"<sup>۲</sup> - اقتصاددان ارشد در بانک جهانی - نقل می کند که حتی یک مورد توسعه در دنیا سراغ نداریم که دولت در آن نقش بازی نکرده باشد (یاس نو، شماره ۱۱۷: ۹). به همین خاطر است ما تبعیض سیاسی را به عنوان مؤثرترین نوع تبعیض که موجب حذف کردها در هرم قدرت سیاسی شده است در نظر گرفته که فرایند توسعه‌ی اقتصادی کردها و شکوفا شدن و پیگیری امور فرهنگی‌شان را مختل ساخته است.

با نگاهی به شرایط و جایگاه کردها در ایران، می توان تصور کرد که وضعیت فرهنگی کردها و برنامه ریزی که در رابطه با آنها صورت می گیرد، چگونه است. در امتداد این سیاست‌ها مبرهن است که برنامه‌های صداوسیما در سطح ملی و استانی چگونه به فرهنگ قومی و بومی این مناطق می پردازند. مثلاً برنامه‌های صداوسیما در سطح ملی به شیوه‌ای عمل کرده که سعی کرده است کردها را طوری نشان دهد که همیشه در کوه و دشت‌ها تفنگ به دست و سوار بر اسب زندگی می کنند و بیشتر اوقات دنبال جنگ و خونریزی می باشند. در این شرایط کردها، هیچ گاه در نقش قهرمان (مثبت) فیلم بازی نکرده انگار همیشه نیاز به آقا بالا سر دارند. شخصیت کردها همیشه با قیافه‌ای ترسناک و خشن ظاهر شده که دارای برخوردی خام، بچه گانه، خوش باور و زود فریب هستند.<sup>۳</sup> به طوری که به بیننده این ایده القاء می شود که در میان کردها از اندیشمندان، هنرمندان، شاعران، عالمان خبری نیست.<sup>۴</sup> در سطح منطقه‌ای یا استانی، شبکه‌های صداوسیما هم با تفکر و برنامه‌های مرکز تجهیز و به نیاز منطقه و ساز و کارهای فرهنگی اقوام توجه نمی کنند. به عنوان مثال به

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر علاقه مندان را به متن اصلی پایان نامه ارجاع می دهیم.

## 2- Joe Stiglits

۳- رجوع کنید به مقاله "سینمای کشور و نگرش آن به ملت کرد" نشریه داخلی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. سال اول، شماره ۲، (۱۳۷۹).

۴- فیلم‌هایی از قبیل تیغ آفتاب، حماسه دره شیلر، کانی مانگا، عقرب‌ها، تعقیب سایه‌ها، گلها و گلوله‌ها، هراس و... که از سوی دولت مرکزی ساخته شده، مهر تأیید بر ادعای ماست.

وضعیت برنامه‌ی «شبکه گرد»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۷۷ در استان کردستان اشاره‌ای می‌کنیم: میزان پخش برنامه‌های سیمای مرکز کردستان به زبان فارسی ۲۰۶:۵۹ (ساعت - دقیقه) و به زبان کردی ۶۸:۴۹ (ساعت - دقیقه) بوده است جالب اینکه در شبکه کرد !!! از یک سو، میزان پخش برنامه‌ها به زبان فارسی، بیش از ۳ برابر زبان کردی است و از سوی دیگر ۵۳:۲۷ (ساعت - دقیقه) برنامه‌ها به زبان کردی در زمینه‌ی ورزشی، تفریحات و سرگرمی بوده است (آمارنامه استان کردستان، ۱۳۷۷: ۴۵۴-۴۵۲).

بنابراین نابرابری‌ها در حوزه‌های مختلف و تأکید روی فرهنگی خاص و نادیده گرفتن فرهنگ گروه‌های قومی دیگر، سیاست و برنامه‌های تبعیض‌آمیز را نشان می‌دهد که نسبت به گروه‌های قومی به ویژه کردها اعمال می‌شود که می‌توان گفت علل اساسی سیاسی شدن علایق کهن و بروز آن به شکل جریان‌ها و گرایش‌های ناسیونالیستی مدرن، تبعیض از سوی دولت مرکزی و در نتیجه خود آگاهی قومی است. در پایان این بخش به نکاتی اشاره می‌کنیم:

۱. سیاست تمرکزگرایی در کشور ایران وجود دارد و به مرور زمان بیشتر شده است.
۲. با توجه به سیاست‌های موجود در ایران، شکاف‌های قومی ایجاد و با گذشت زمان متراکم‌تر شده است.
۳. دولت توانایی عامل اصلی مسائل قومی از جمله تبعیض، شکاف قومی و... در کشور ایران محسوب می‌شود.
۴. سیاست تبعیض‌آمیز توسط دولت مرکزی در برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین ادامه داشته است.
۵. به علت یکه‌تازی دولت مرکزی و قبضه کردن قدرت سیاسی در دست گروه خاص، نوسانات قوم‌گرایی انعکاسی از نحوه‌ی برخورد آنها بوده است.
۶. در زمینه کاهش سیاست تبعیض‌آمیز از سوی دولت مرکزی اقدامات چشم‌گیری مشاهده نشده است.

### جمع‌بندی

آنچه گذشت، تلاشی بود برای نشان دادن سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت مرکزی ایران در حوزه‌های مختلف و سنجش میزان احساس آن در میان کردها بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ که این سیاست از یک سو موجب شده است فارس‌ها و تا حدودی آذری‌ها ثروتمند، دارای منزلت اجتماعی بالاتر، زبان‌شان رسمی (فارس‌ها)، دارای قدرت سیاسی، قانونگذاری و هنجار فرصتی باشند، و از سوی دیگر، این پدیده‌ی اجتماعی نامیمون برای گروه‌های قومی دیگر (کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و...) فقر، انزوا، اعتبار اجتماعی ضعیف، فرمانبرداری، ضعیف شدن زبان، قدرت سیاسی و اقتصادی را به دنبال داشته است. تبعیض و برخورد متفاوت

در تمام حوزها از پایین‌ترین تا بالاترین سطح در جامعه برای کردها وجود دارد به طوری که حتی سنگ مزار هنرمندان و نویسندگان این مناطق هم از حملات نیروهای امنیتی در امان نمی‌ماند و آن را تخریب می‌کنند<sup>۱</sup> و یا با ساختن لطفه و جُک برای اقوامی مثل ترک، کرد، بلوچ، عرب و... از سوی قوم فارس (دارای قدرت سیاسی و فرهنگی) به شیوه‌ای که هر کدام از گروه‌های قومی با عناوین و القاب خاصی مشهورند و از این طریق در صدد تخطئه آنها هستند و سعی دارند گروه‌های دیگر را پایین‌تر از خود، نشان دهند (سطح خرد) و در سطح کلان کردها نمی‌توانند به نخبگان سیاسی در مرکز پیوندند و مشارکت داشته باشند<sup>۲</sup> و به این شیوه از گردش نخبگان جلوگیری می‌کنند.

با توجه به این موارد اقوام متوجه تفاوت و ویژگی‌های فرهنگی خاص خود می‌شوند که زمینه و بسترسیاست و اقدامات تبعیض‌آمیز را به وجود آورده است و چون پیوستن به فرهنگ ملی و مرکز، غیر از تبعیض، ستم، سلطه و نابرابری، سود و منفعت چندانی برای آنها ندارد؛ گروه‌های قومی به هویت قومی و ویژگی‌های خاص خود گرایش پیدا کرده و منبع نیرومندی برای غرور و همبستگی گروهی آنها محسوب می‌شود. که می‌تواند دو نتیجه را به همراه داشته باشد: الف) زمینه و شرایط برای گسست و فاصله‌ی بین اقوام حاشیه‌ای و دولت مرکزی (شکاف قومی) را به وجود می‌آورد. ب) تفاوت‌های قومی جسته‌تر شده که این خود در شدت تبعیض بی‌تأثیر نخواهد بود. در این زمینه می‌توان به کردهای اهل تشیع در استان کردستان اشاره کرد که در قروه و بیجار زندگی می‌کنند که تبعیض کمتری شامل حال آنها شده به طوری که دو کارخانه‌ی مهم استان در این دو شهر قرار گرفته است<sup>۳</sup> و وضعیت به مراتب بهتری در ساختار مدیریتی استان در مقایسه با کردهای اهل تسنن دارند<sup>۴</sup>. این وضعیت چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای در نارضایتی کردهای اهل تسنن مؤثر است؛ تا جایی که حتی این نارضایتی را در نوشتن شعارها بر در و دیوار حیاط و منازل

۱- هفته نامه ناسو این عمل را هجوم به ارزش‌های فرهنگ ملت کرد معرفی کرده است. (ناسو شماره ۴۳: ۱)

۲- این مسأله نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح منطقه‌ای هم وجود دارد به طوری که حتی ولی‌فقیه در کردستان از وضعیت استخدامی و ساختار مدیریتی استان کردستان لب به اعتراض گشوده و از روند عزل و نصب‌های نامناسب ناخرسند است. (سیروان، شماره ۲۰۹: ۱)

۳- کارخانه ذوب آهن در شهرستان قروه و کارخانه سیمان در شهرستان بیجار راه‌اندازی شده است. به طوری که نیروی بومی کمی در آنجا مشغول به کارند که از میان نیروهای بومی، کردهای اهل تشیع اکثریت را به خود اختصاص داده‌اند.

۴- مطرح کردن این موارد نه از آن جهت است که اختلافات مذهبی را میان کردها بر جسته نماییم؛ بلکه محقق در صدد نشان دادن اهمیت و پررنگ کردن عامل مذهب و آثار آن از سوی دولت و بی‌اهمیت بودن اصل شایسته‌سالاری می‌باشد.

در شهرهای این مناطق به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

در درجه‌بندی، شدت و میزان تبعیض<sup>۱</sup> که در سه سطح عنوان شده، درجه‌ی اول شامل سطح پائین تبعیض می‌باشد که "سیاست و طرح‌های دولت مرکزی با هدف بهبود شرایط گروه‌های قومی برنامه‌ریزی شده است"، درجه دوم شامل سطح متوسط تبعیض است که "دولت مرکزی و گروه‌های مسلط نسبت به محرومیت اقلیت‌ها بی‌تفاوتند" و درجه‌ی سوم که در آن تبعیض سخت و شدید است "ناابرابری‌ها نتیجه‌ی اعمال اجتماعی آگاهانه و طرح‌های عمومی آشکار از سوی دولت مرکزی است". در این پژوهش با توجه به شواهد، تبعیضات موجود نسبت به کردها را در سطح سوم (تبعیض سخت و شدید) ارزیابی می‌کنیم، زیرا که دولت مرکزی در تمام حوزه‌ها دارای نفوذ است و در همه‌ی برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای دخالت می‌کند و آگاهانه بسیاری از قوانین و اقدامات موجود در سطح کلان برای حذف و به حاشیه‌رانی کردها به کار گرفته است.

نظر به اینکه بر اساس سیاست تمرکزگرایی و تبعیضاتی که به آن اشاره شد، دو قطب مرکز و پیرامون در جامعه‌ی ایران شکل گرفته است که موجب فاصله و شکاف بین آنها گردیده است. عمق این شکاف به گستره‌ی تفاوت‌های فرهنگی-قومی مناطق پیرامون و مرکز بستگی دارد، به عبارت دیگر هرچه تفاوت‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌ای با ویژگی‌های مرکز بیشتر باشد شکاف قومی عمیق‌تر است.

### پیشنهادهای

۱. تجدیدنظر، اصلاح و تغییر قوانین و آئین‌نامه‌هایی که به صورت آشکار از تبعیضات و تفاوت‌های موجود بر سر دست‌یابی به مزایای کمیاب چون قدرت، ثروت و احترام حکایت دارد.
۲. تغییر در ساختار مدیریتی کشور و ایجاد فرصت برای کسب پُست‌های مدیریتی ملی و منطقه‌ای و بهره‌گیری از نخبگان قومی و مشارکت آنان در هرم قدرت سیاسی (گردش نخبگان قومی).
۳. جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها، اهداف و سیاست‌های دولت مرکزی در قبال اقوام مشخص، شفاف و به دور از هر نوع ابهام و مخفی‌کاری باشد.
۴. ایجاد و تقویت نهادهای سیاسی محلی و تقویت تشکل‌ها و سازمان‌های مردمی (NGO) به طوری که تمرکززدایی در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) به تدریج صورت گیرد.
۵. با توجه به چند قومی بودن ایران در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت مرکزی در راستای "سیاست کثرت‌گرایی حامی برابری" و عملیاتی کردن آن می‌تواند به حل مسائل قومی کمک شایانی نماید. که

۱- تقسیم‌بندی از "تدگار" می‌باشد که در مقاله "موقعیت اقلیت‌ها در خطر؛ نابرابری و تبعیض." (ترجمه کریمی) به چاپ رسیده است.



- این خود در راستای سیستم فدرالی<sup>۱</sup> می‌باشد که امری حیاتی برای کاهش و برطرف کردن تبعیض قومی در ایران به حساب می‌آید.
۶. از تجربیات و اقدامات کشورهای دیگر در زمینه‌ی حل مسائل قومی استفاده شود. به عنوان مثال در بلغارستان، ارگان مشورتی حکومتی پیرامون مسائل قومی شکل گرفته و شعبه‌هایی در مناطق مختلف در جهت ارتباط و همکاری بیشتر بین دولت مرکزی و سازمان‌های غیردولتی (مردمی) به وجود آمده است.
۷. اهتمام ورزیدن به رعایت عدالت اجتماعی - اصل مهم در اسلام - و تدوین منشوری در جهت مرتفع ساختن نابرابری و تبعیضات قومی و تأکید بر مفهوم شهروندی به جای تعلقات مذهبی، زبان و قومی.
۸. ایجاد دانشگاه، دانشکده، رشته‌های تحصیلی در زمینه‌ی مطالعات قومی تا از این طریق تحقیقات و پژوهش‌های تخصصی و علمی در جهت بررسی و حل مسائل قومی صورت گیرد.
۹. توجه و اهتمام به نقش و فرهنگ اقوام در سیستم آموزشی و رسانه‌های ملی؛ زیرا در این زمینه خلاء جدی و سهل‌انگاری‌های عمده‌ی وجود دارد که با کار کارشناسی و صعه‌ی صدر بیشتر، ایجاد تغییر و بهبود وضعیت موجود ضروری به نظر می‌رسد.



## منابع:

### کتاب‌ها

- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، "قومیت و قوم‌گرایی در ایران (از افسانه تا واقعیت)"، تهران، نشرنی.
- تُرنبری، پاتریک (۱۳۷۹)، "حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها"، مترجمان آریتا شمشادی و علی اکبر آقایی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)، "کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی"، تهران، وزارت امور خارجه.
- دوورژه، موریس (۱۳۶۶)، "روش‌های علوم اجتماعی"، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیر کبیر.
- کینان، درک (۱۳۷۶)، "کردها و کردستان"، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران، نگاه.
- گولد، جولیوس و کولب، ل. ویلیام (۱۳۷۶)، "فرهنگ علوم اجتماعی"، ویرایش محمدزاهد مازندرانی، تهران، مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، "جامعه‌شناسی"، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، "تحولات قومی در ایران (علل و زمینه‌ها)"، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.

### مقالات

- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۷)، "قومیت و امنیت"، ترجمه حسن شفیعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
- پرویزپور، فرزاد (۱۳۷۹)، "سینمای کشور و نگرش آن به ملت کرد"، نشریه دانشجویی ژوان (دانشکده علوم پزشکی کردستان)، شماره ۲.
- تدگار (۱۳۸۱)، "موقعیت اقلیت‌ها در خطر (ناابرابری و تبعیض)"، ترجمه جلیل کریمی، فصلنامه راقه، شماره سوم.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)، "مسأله‌ی وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران"، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۶)، "ناهمگونی‌های اقتصادی در ایران"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۱ و ۱۲۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، "چشم‌انداز نابرابر جهانی"، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، روزنامه یاس، شماره ۱۱۷.

- نادرپور، بابک (۱۳۸۰)، "خرده فرهنگ‌ها، دولت مدرن پهلوی و توسعه یافتگی سیاسی"، فصلنامه ملی، شماره ۹.

*پایان‌نامه‌ها*

- احمدپور، ملیحه (۱۳۷۷)، "نقش تضادهای قومی و مذهبی در فرایند توسعه‌یافتگی"، استاد راهنما دکتر منصور رحمانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- افروغ، عماد (۱۳۷۶)، "فضا و نابرابری اجتماعی (مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران)"، استاد راهنما دکتر حسین شکویی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- خسروی، انور (۱۳۷۷)، "تعیین نابرابری‌های صنعتی میان استان‌های کشور در سه مقطع ۱۳۵۳، ۱۳۶۳ و ۱۳۷۳"، استاد راهنما دکتر شمس‌الدین شیر بخش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.

- محمدزاده، حسین (۱۳۸۰)، "تأثیر تمرکزگرایی بر قوم‌گرایی (بررسی سیاسی - فرهنگی و اجتماعی بر شکاف قومی و فعال شدن آن در میان اکراد ایران)"، استاد راهنما دکتر محمد عبداللهی، استاد مشاور پرویز پیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی.

*سایر منابع*

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰)، "ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (یافته‌های پیمایشی در ۲۸ استان کشور)"، دفتر طرح‌های ملی.

- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان (۱۳۷۵)، "آمارنامه استان کردستان"، معاونت آمار و اطلاعات.

- سازمان برنامه و بودجه استان کردستان (۱۳۷۷)، "آمارنامه استان کردستان"، معاونت آمار و اطلاعات.

- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۰)، "ایدئولوژی و سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران" (گزارش پژوهشی)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- هفته‌نامه‌ی ناسو، شماره ۴۳.

- هفته‌نامه‌ی سیروان، شماره ۲۰۹.